

# مناسبات ایران و ژاپن در دوره قاجار

اشاره:

تاریخ روابط ایران و ژاپن به دوره باستان بازمی‌گردد. نخستین تاریخنامه‌های ژاپن که در حدود سال ۷۲۰ میلادی تدوین شده از آمدن ایرانیان به ژاپن یاد کرده‌اند و قرائن تاریخی از روانه شدن شماری از شاهزادگان ساسانی به ژاپن پس از فرو ریختن امپراتوری تیسفون در پی تاختن اعراب در دست است. در گوش‌نامه می‌خوانیم که فریدون فرزند ایتین، از فرارنگ، زیباترین دختر طیهور پادشاه جزیره یا ماچین دوم - که به احتمال همان ژاپن است - زاده می‌شود و سرنوشت این دو سرزمین جادویی شرق و غرب آسیا یک چند با هم پیوندی نزدیک می‌یابد.

نوشته:

نه ایچی اینووه

ترجمه:

دکتر هاشم رجب‌زاده

در عصر جدید و تاریخ معاصر، مناسبات ایران و ژاپن با هیأت سفارتی که از سوی میجی، امپراتور نامور و دوران‌ساز ژاپن و به ریاست ماسهارو یوشیدا در سال‌های ۱۲۹۷-۹۸ هجری قمری (۸۱-۱۸۸۰ م.) به دربار ناصرالدین شاه آمد، آغاز شد، و از آن پس نیز ژاپن روبه عروج، از احوال ایران - که با همه ضعف و انحطاط دوره قاجاریان از اهمیت و موقع ویژه‌ای در غرب آسیا برخوردار بود - غافل نماند، و هر چند سال یک بار نماینده‌ای از سرزمین آفتاب در هیأت جهانگرد یا بازرگان یا پژوهنده روانه ایران شد تا با آشنایی هر چه بهتر با روزگار و رویدادهای این سوی آسیا سیاست خود را در جهانی که می‌رفت نظم نوینی بیابد طراحی کند. نه ایچی اینووه، ایران دوست فقید که سال‌ها در خدمت وزارت خارجه ژاپن یا در مقام نماینده شرکت‌های ژاپنی در ایران و با ایرانیان زندگی کرد، و شاید بیش از هر ژاپنی دیگر با زندگی و اندیشه و احساس مردم ایران آشنا بود، در مقاله‌ای با عنوان «روابط ایران و ژاپن در دوره میجی (سال‌های پادشاهی امپراتور میجی، سال‌های ۱۸۶۷ تا ۱۹۱۲) مناسبات این دو کشور را در این سال‌های سرنوشت‌ساز مرور کرده است. ترجمه این نوشته در زیر می‌آید. (ه. ر.)

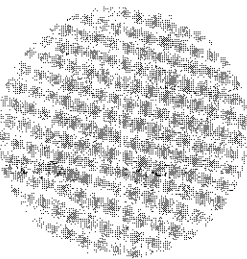
سخن آغاز:

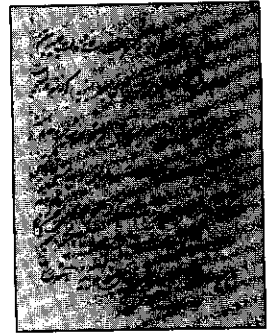
قرن نوزده میلادی شاهد انحطاط بسیاری از سلسله‌های حکومتی اسلامی بود. در هند و آسیای میانه و مصر و شمال آفریقا، پیشروی سیاسی کشورهای بزرگ اروپای مسیحی چشمگیر می‌نمود. به‌ویژه در خاورمیانه، ممالکی که آفتاب لب بام حکومت‌های محلی مسلمان هنوز ته رنگی داشت فقط امپراتوری عثمانی و پادشاهی

ایران بود.

ایران کشوری است بسیار کهن با تاریخی دو هزار و پانصد ساله. این سرزمین جایگاه مهمی سر راه جریان تمدن از شرق به غرب، که اروپا با آسیا و هند و آفریقا می‌پیوست، داشت و به موهبت این پایگاه، در دوره شکوه گذشته‌اش بر کشورهای پیرامون چیره آمد و بنیادگذار تمدنی بزرگ شد، آن سرزمین‌ها را به روی بازرگانی گشود و در آنجا آبادانی و

کشتی ژاپنی هیبه‌ی که نخستین هیأت سفارت ژاپن را به بندر بوشهر رساند. (سال ۱۸۸۰ م، ۱۲۹۷ هـ.)





رقم سفارش نامه  
صادر شده از سفارت ایران  
در وین برای  
«ماساچی اینووه»

«ناصرالدین شاه قاجار»

رونق فرا آورد. اما با گشوده شدن آبراه سوئز (در سال ۱۸۶۹) ایران از مسیر اتصال مشرق زمین به اروپا دور افتاد. و برای ژاپنی‌ها کشوری ناشناخته شد. از آن پس ژاپنیان چگونه می‌توانستند با این کشور کنار افتاده سر و کاری پیدا کنند و احوال واقعی آن را بشناسند، و نیز ایرانی‌ها چه آشنایی‌ای با وضع ژاپن داشتند. این چگونگی را با نگاهی به منابع دوره میجی برمی‌رسیم.

### ۱. هیأت سفارت یوشیدا

در سال ۱۸۷۹ میلادی (سال ۱۲ میجی) انوموتو بویو Enomoto Buyo، وزیرمختار ژاپن در روسیه، نزد ناصرالدین شاه، که (در راه بازگشتن از سفر اروپا) از سن‌پترزبورگ St.Petersburg پایتخت تزار دیدن می‌کرد، باریافت، و به دنبال این دیدار در گزارشی به دولت متبوع خود پیشنهاد کرد که به بستن قرارداد بازرگانی با ایران برآید. در ماه آوریل ۱۸۸۰ که انوموتو در پایان مأموریتش در روسیه به میهن بازگشته بود، اینووه Inoue، معاون وزیر خارجه ژاپن، یوشیدا ماساهارو Yoshida Masaharu، صاحب منصب این وزارت را مأمور کرد که در رأس هیأتی با شرکت فوروکاوا نوبویوشی Fukuoka Nobuyoshi، سروان مهندس ارتش و یک مترجم (و دیگران) برای دیدن و بررسی وضع ایران روانه این کشور شود.



هیأت سفارت یوشیدا با استفاده از فرصت عزیمت کشتی جنگی هیه‌ی Hiei که به خلیج فارس می‌رفته، از ژاپن روانه شد. این کشتی پس از دو ماه سفر دریایی به بندر بوشهر در ایران رسید. گروه مسافران ژاپنی پس از پیاده شدن در این بندر از کوه‌های زاگرس عبور کرد و از راه شیراز، اصفهان، کاشان و شهرهای دیگر مسیر، به تهران، پایتخت ایران رسید. از این هیأت به گرمی پذیرایی شد و اعضای آن نزد ناصرالدین شاه باریافتند. این هیأت از راه عثمانی و پس از دیدن آن دیار به ژاپن بازگشت.

یوشیدا سرپرست این هیأت استوارنامه (یا اختیارینامه)‌ای نداشت که بتواند به نمایندگی از دولت ژاپن قرارداد تجاری ببندد. برای این کار لازم بود که نخست روابط سیاسی میان دو کشور ایجاد شود. سفر این هیأت فقط دیداری دوستانه بود. حدود نیم قرن پس از این تاریخ، در ماه مارس سال ۱۹۲۹ (سال چهارم پادشاهی امپراتور شووا Showa) بود که ژاپن با ایران روابط دیپلماتیک برقرار کرد.

هیأت سفارت یوشیدا مرکب از ۷ تن بود: یوشیدا، فوروکاوا، یوکویاما، ماگواچیرو Yokoyama Magoichiro، نایب رئیس شرکت بازرگانی، اوکورا Okura، یامادا سی‌ایچیرو Yamada Seijiro، گوتو ایئارو Goto Itaro، فوجیتا تاکیچی Fujita Takichi و میکاوا جوچیرو Mikawa Jujiro.

پنج عضو این هیأت، یوکویاما و دیگران به معرفی وزارت اقتصاد و دارایی ژاپن برای برقراری تجارت با ایران روانه شده بودند. سانو تسونونه تامی Sano Tsunetami وزیر اقتصاد و دارایی آن سال‌ها برای رشد بازرگانی و صنعت ژاپن تلاش می‌کرد، و چنین بود که این هیأت نمونه‌های فراوان کالا همراه داشت.

گسیل شدن رزمناو هیه‌ی (به جهت دیدار از بنادر اقیانوس هند و خلیج فارس) از آن رو بود که انوموتو بویو وزیر تازه نیروی دریایی، که پیشتر وزیر مختار ژاپن مقیم دربار روسیه بود، دستور اجرای مانور دریایی در اقیانوس هند داده و قرار شده بود که این کشتی هیأت سفارت ژاپن را تا بوشهر، بندر مهم خلیج فارس، برساند تا از این راه عظمت و قدرت پرچم ژاپن به دنیای خارج نشان داده شود.

درباره سفر هیأت یوشیدا ده کتاب منتشر شده، که یکی در ماه آوریل سال ۲۴ دوره پادشاهی امپراتور میجی (۱۸۹۱)، ۱۱ سال پس از بازگشتن این هیأت، بوده است. این کتاب با عنوان پرشیا کیکو Perushiya kiko (و گزارش فوروکاوا افسر ستاد ارتش ژاپن) در معرض فروش و در دسترس نیست (و نشر دولتی محدود بوده است). کتاب دوم که روز ۱۱ آوریل سال ۲۷ میجی (۱۸۹۴) از سوی انتشارات هاگو بونکان Kakubunkan منتشر شد، نوشته یوشیدا ماساهارو است، و با عنوان پرشیا-نو-تابی no-Tabi-Perushiya (سفرنامه ایران). مضمون این دو کتاب را آقای کانه‌زاشی شو‌زو Kanezashi shozo در مجله کای کیو‌کن Kaikyoken (منطقه اسلام)، دوره پنجم، ماه نهم، سال ۱۶ شووا (۱۹۴۱) معرفی کرده است. نیز، استاد (فقیه) گامو ری‌ایچی Gamo Reichiro در مجله



روی جلد کتاب  
«پرشیا کیکو» یا  
سفرنامه ایران  
فوروکاوا نوبویوشی

«ماگوا یچیرو یوکویاما»،  
عضو هیأت سفارت ژاپن  
به ریاست یوشیدا به دربار قاجار.

به واسطه عزل ناگهانی وزیر امور خارجه (میرزا حسین خان سپهسالار) یا بی‌توجهی مقام‌های ایرانی، تاریخ باریابی پیش شاه (با تأخیر بسیار) برای روز ۱۳ اکتبر معین شد. پیش از شرفیابی، هدایایی که هیأت سفارت ژاپن آورده بود تقدیم شد، و چون شاه نوادر و طرایف خیلی دوست داشت در دیدارش با آنها خوش‌خلقی نشان داد. هنگام شرفیابی این هیأت گفت‌وگویی هم پیش آمد که شرح آن چنین است: «در دوره باکو فو (به مدت چند سده تا سال ۱۸۶۷ که فرمانروای لشکری، یا شوگون Shogun، به نام امپراتور در ژاپن حکومت می‌کرد) هرگاه که فرستاده کشور بیگانه نزد فرمانروا بار می‌یافت، با کفش رفتن او روی کفپوش حصیری تالار (تاتامی Tamara، که ژاپنی‌ها هیچگاه با کفش روی آن نمی‌روند) همیشه مایه بگومگو و کثورت می‌شد. پس از نیم قرن مجادله، سرانجام رویه بر این قرار گرفت که فرستادگان خارجی به هنگام باریابی کفش‌هاشان را در بیاورند. روز باریابی هیأت ژاپنی (نزد ناصرالدین شاه) هم وقتی که آنها وارد محوطه کاخ شدند و داشتند از پله‌ها بالا می‌رفتند، رئیس تشریفات سلطنتی از پله‌ها پایین آمد و آهسته و درگوشی به وزیر امور خارجه چیزی گفت. سپس، از آنها خواسته شد که کفش‌هاشان را درآورند. یوشیدا سرپرست هیأت در پاسخ گفت: (در ژاپن هم) ادب این است که هنگام شرفیابی حضور امپراتور کفش

ایسورامنو-سکای Isuram-no-Sekai (دنیای اسلام)، دوره دوم، ماه دوازدهم، سال ۳۹ شووا (۱۹۶۴) مقاله‌ای درباره آنها نوشته است.

هیأت یوشیدا در ماه‌های ژوئن و ژوئیه (تابستان) که نامساعدترین فصل سال است به بندر بوشهر رسید. دمای هوا در اینجا در روز حدود ۱۳۰ و در شب حدود ۱۰۵ درجه (فازنه‌ایت) بود. این مسافران روزها از انبوه مگس و شب‌ها از حمله پشه و کزدم امان و آرام نداشتند. غذای پرچربی ایران هم به آنها نمی‌ساخت.

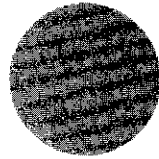
روز ۹، ماه ژوئیه سال ۱۸۸۰، رزمناو - هیه‌ی که پرچم ژاپن بر فراز آن در اهتزاز بود، کنار این بندر لنگر انداخت. یوشیدا به اتفاق کاپیتان ایتوه Ito ناخدای رزمناو و هیه‌ی، از والی بوشهر و کارگزار امور خارجه و نمایندگان سیاسی در بوشهر برای شام در کشتی خود دعوت کردند. اما سرکنسول انگلیس در بوشهر و مأموران انگلیسی در آنجا دعوت ژاپنی‌ها را نپذیرفتند. گروه سفارت یوشیدا در اواخر ماه ژوئیه از بوشهر روانه شد. اعضای این هیأت به کاروانی... پیوستند و سفر در ایران را آغاز کردند. سفر آنها در خشکی بیش از چهل روز کشید، و سرانجام در روز ششم ماه سپتامبر آن سال به تهران پایتخت ایران رسیدند.<sup>۹</sup>

استاد اوکازاکی شوکو Okazaki Shoko از دانشگاه مطالعات خارجی (وساکا در مقاله‌ای که در مجموعه «دنیای اسلام»<sup>۹</sup> درج شده، نوشته است: «در این سفر، به آنها بسیار سخت گذشت یکی از مسافران ژاپنی در میان توفان شن (در راه بوشهر به برازجان) از پشت چهارپا افتاد و از هوش رفت و مدتی در بیابان گم شد. ایرانی که ژاپنیان برای نخستین بار می‌دیدند دنیایی بود با فرهنگی دیگر که اینها با آن آشنایی نداشتند. همه چیزهایی که در آنجا می‌دیدند یا می‌شنیدند برای‌شان شگفت‌انگیز بود. روستائیان ایرانی براین باور بودند که مرد خارجی درمان همه دردها را می‌داند، و این مسافران چند بار ناچار شدند که به بیماران روستاها داروهای بی‌اثر یا من‌درآوردی بخوراندند. فساد مأموران دولت هم چشمگیر بود. یوشیدا و فوروکاوا در سفرنامه‌های‌شان تباین فکری و فرهنگی‌ای را که در ایران به آن برخوردند به روشنی شرح داده‌اند. البته دانش و شناخت آنها از ایران اندک بود، و از این رو اشتباه هم (در فهم و شرح مطالب) زیاد کرده (و نوشته)‌اند. اما پیداست که با این اطمینان خاطر که ایرانی‌ها نمی‌توانند یادداشت‌های‌شان (به ژاپنی) را بخوانند تجربه‌ها و دیده‌ها و شنیده‌های خود را بی‌پروا به قلم آورده‌اند، و از این رو یادداشت‌های اینان ارزشی بیش از سفرنامه‌های نوشته غربیان دارد.»

نزدیک تهران گروهی مرکب از ده‌ها افسر و سرباز قشون ایران از این هیأت استقبال کرد. اما فرستادگان ژاپن لباس گوناگون دربرداشتند. چند تاشان جامه اروپایی پوشیده بودند، چند نفر لباس ایرانی، و چند کس هم لباس ژاپنی پوشیده و (به رسم سامورایی) دو شمشیر به کمر بسته بودند. آنها این وضع درهم خود را برای هیأت فرستاده امپراتور شرق دور شرم آور دیدند، و ناراحت شدند.

به هر روی، این گروه سفارت به عنوان میهمان محترم دولت ایران در یکی از عمارات سلطنتی منزل داده شدند اما





**فوکوشیما یاساماسا که  
افسر نیروی زمینی ژاپن  
بود، پس از یوشیدا و  
فوروکاوا یادداشت‌های  
خود از ایران را نوشت.  
او در سال ۱۸۹۶  
تک و تنها به  
بندر بوشهر رسید...  
او در مقام افسر عالی رتبه  
دفتر ویژه ستاد کل ارتش،  
مأموریت بررسی  
اوضاع نظامی  
آسیای میانه  
زیر سلطه روس را  
داشت**

**یه ناگا  
در زمان سلطنت  
مظفرالدین شاه  
و صدراعظمی  
امین السلطان  
به ایران  
سفر کرد**

به پا داشته باشند، و برهنه پا رفتن نزد شاه نهایت بی ادبی است. اما نکند که شما رسم ژاپن را نمی‌پسندید، به این قیاس اهمیت نمی‌دهید که ما در اینجا گستاخی کنیم و هرکار بی‌راه و خلاف ادب از ما سر بزنند؟! در برابر این پاسخ، وزیر امور خارجه درماند و کلمه‌ای هم نتوانست بگوید. رئیس تشریفات با وزیر امور خارجه که روی پله‌ها بود پیچ و پچی کرد و سپس از پله‌ها پایین آمد و چیزی به مترجم هیات گفت و این کار سه - چهار بار تکرار شد و سرانجام گفتند: «امروز استثناء می‌گذاریم، و اجازه می‌دهیم که با کفش قدم به تالار بگذارید.»

یوشیدا، سرپرست هیات به میان تالار رفت و به ژاپنی به شاه سلام و ادای احترام کرد. یوکویاما ماگویاچیرو حرف او را به انگلیسی ترجمه می‌کرد. در برابر سخنان فرستاده ژاپن، شاه نسبت به ایجاد رابطه سیاسی و دوستانه میان ایران و ژاپن اظهار امیدواری کرد و گفت که آرزو دارد این هیات در مساعیش موفق باشد.

پس از مراسم باریابی، شاه نزدیک آمد و با یوشیدا به گفت‌وگو پرداخت. پرسش‌های شاه درباره تجدد ژاپن بود، مانند اینکه راه آهن آن چگونه ساخته شده، چه اندازه کمک فنی از خارج برای این کار گرفته شده، مواد و مصالح آن چگونه فراهم شده، و وضع تسلیحات ژاپن در مقایسه با چین چگونه است. ناصرالدین شاه (که در سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۹۶ بر تخت بود) بلندترین دوره پادشاهی را داشت. او هم از راه و رفتار انگلیس و روس رنج می‌برد، و در کار سیاست خارجی و سامان دادن احوال داخلی کوشش می‌کرد؛ اما تلاش و تدبیرش به جایی که امید داشت نرسید. این پادشاه سه بار، در سال‌های ۱۸۷۳، ۱۸۷۸ و ۱۸۸۹ به اروپا سفر کرد. درباره این سفرها آراء گوناگون داده شده و نظرها مختلف است، اما انگیزه آن هوس و تماشا بود نه نیت متجدد کردن ایران. برای این هدف می‌بایست خوب می‌اندیشیدند و تدبیر می‌کردند و مایه و ماهیت پیشرفت اروپا را می‌شناختند و دانش و فن لازم برای این کار را می‌یافتند، اما آن سلطنت طولانی فاقد عنصر تدبیر و تعقل بود، و از بخت بد ایران زمانه و احوال هم مساعد نیفتاد.»

قلمرو پهناور روسیه در قرن ۱۹ نه فقط ایران را در محاصره داشت، که تا خاور دور هم کشیده شده بود قصد ناصرالدین شاه در میان سفر دومش به اروپا از ملاقات انومولو وزیرمختار ژاپن (در سن پترزبورگ) چه بود؟ هشت سال پس از کشته شدن این پادشاه جنگ روس و ژاپن درگرفت. آیا ناصرالدین شاه این رویداد را پیش‌بینی می‌کرد؟! گروه سفارت یوشیدا پس از حدود نیم سال که در ایران گذراند، در ماه ژانویه سال ۱۸۸۱ از راه انزلی، در کناره دریای خزر، به مقصد باکو به کشتی روسی تامارا Tamara نشست و خاک ایران را پشت سر گذاشت.

## ۲. دیدار فوکوشیما:

**فوکوشیما یاساماسا Fukushima Yasamasa.**

که افسر نیروی زمینی ژاپن بود، پس از یوشیدا و فوروکاوا یادداشت‌های دیدار خود از ایران را نوشت، او روز ۲۷ ماه مه سال ۱۸۹۶ (سال ۲۹ سلطنت امپراتور میجی) تک و تنها به

بندر بوشهر رسید. دیدار ایران در میان سفر سوم او به خارج از ژاپن بود. در نخستین سفرش هند و در سفر دوم قاره‌های اروپا و آسیا را درنوردیده، و پیش از آمدن به ایران به آفریقا و عثمانی و جزیره سیلان و شبه قاره هند سفر کرده بود. پس از هیات سفارت یوشیدا، او نخستین ژاپنی بود که در بندر بوشهر پیاده شد. فوکوشیما زبان خارجی را به راحتی صحبت می‌کرد. گویا در سال‌هایی که با مقام وابسته نظامی ژاپن در آلمان اقامت داشت با سون هدن سوندی، کاشف معروف دوست شده و با خواندن سفرنامه‌های یوشیدا و فوروکاوا (عضو نظامی هیات سفارت یوشیدا) آگاهی‌هایی درباره ایران و آسیای میانه یافته بود. ناگفته نپیادست که او در مقام افسر عالی‌رتبه دفتر ویژه ستاد کل ارتش، مأموریت بررسی اوضاع نظامی آسیای میانه زیر سلطه روس را داشت. روسیه در آن سال‌ها در تدبیر پیشروی و گسترش سرزمینی به جنوب بود. هنگامی که این لشکری ژاپنی به بندر بوشهر رسید، اوضاع سیاسی ایران پس از قتل ناصرالدین شاه آشفته بود و گویا در راه میان بوشهر و تهران بسیار می‌شد که راهزنان آشکارا راه بر مسافران می‌گرفتند آنها را می‌کشتند یا هر چه که داشتند به یغما می‌بردند. او نوشته است:

«خط تلگراف قطع شده، و فقط خط ارتباط کابل و انگلستان دایر بود. خواستم برای دیدن اوضاع به تهران بروم، وزیر امور خارجه دستور داد: «سردار فوکوشیما افسر ژاپنی با توجه و اقدام راهنمایی شود.» در مدت اقامت در بوشهر، کارگزار امور خارجه و والی آنجا از من توجه و پذیرایی کردند. روز ۴ ماه ژوئن از بوشهر روانه شیراز شدم و از طریق شیخ همراه محافظ از تنگ و گذرهای سخت کوه زاگرس گذشتم. سفرم به فصل گرمای شدید افتاده بود. هیات سفارت یوشیدا



هم در همین فصل این راه را رفته بود. وضع راه هم نسبت به آن سال‌ها چندان بهتر نشده بود. عصر همان نخستین روز سفر دچار گرمزدگی شدم، اما هرطور بود جان به سلامت به در بردم. در میان راه بوشهر به شیراز کاروانسراها بود، اما این بناها فقط درگاهی و کفش کن کیفی داشت با انبوهی از حشره‌های موزی، پس کاملاً محال می‌نمود که مسافر ژاپنی بتواند آنجا بماند. در شیراز در خانه رئیس شعبه بانک [شاهی] ماندم.»

«میان شیراز و تهران، در اصفهان توقیفی کردم و در اینجا سرکنسولگری انگلیس ازمین پذیرایی کرد. در اصفهان به حضور ظل‌السلطان، پسر ارشد ناصرالدین شاه مرحوم که در این وقت والی اصفهان بود رسیدم. حضرت والی استفسار فرمودند: «در مملکت شما شکار جالب هست؟» به عرض رساندم «در سرزمین ما فقط در ناحیه شمال خرس و در ناحیه غرب خوک وحشی هست. جز اینها فقط خرگوش و پرند یافت می‌شود، و شکار قابلی نیست». در اینجا حضرت حاکم فرمود: «شکار خرس شمالی خوش است» اما دقت می‌خواهد. این حیوان‌ها خطرناکند، و قهقهه‌های سرداد که مرا به حیرت انداخت. منظور ظل‌السلطان این بود که خرس شمالی، یعنی روس، قوی است و خوب است که آن را سبک نگیرید.»

این تاریخ سه سال پیش از جنگ روس و ژاپن بود، اما شاهزاده والی هدف سفر سردار ژاپنی را دریافته بود.

سردار فوکوشیما روز ۲۸ ژوئن از اصفهان روانه شد، و از راه قم به تهران رسید. ورود او به تهران روز ۳ ژوئیه، یک ماه پس از رسیدنش به بوشهر بود. در تهران او در جایی که هتل انگلیسی نامیده می‌شد منزل گرفت. اما اینجا [شایسته

نام] هتل نبود. کنار اتاقی که به او دادند اصطبل بود، و پیوسته روز و شب شیبه اسب یا سم کوبیدن چارپایان او را می‌آورد و بوی بد به مشام می‌رسید. سردار انتظار داشت که دولت ایران با آگاه شدن از آمدن او چیزی بگوید و کاری بکند، اما امیدش بیهوده بود. در بوشهر تلگرافی که از وزیر امور خارجه رسید می‌گفت که از سردار به گرمی پذیرایی شود، اما به تهران که رسید به او هیچ اعتنا نکردند. این رفتار شاید که در فکر و دلش اثری ناخوشایند نهاد.

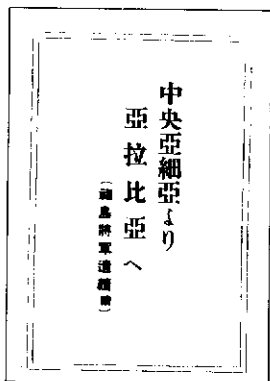
در تهران کنسول آمریکا از هرگونه کمک به فوکوشیما دریغ نکرد. او ۲۷ سال در مأموریت ایران گذرانده بود. کنسول آمریکا نامه ساده‌ای به شاه نوشت و کوشید تا ترتیب باریابی او را بدهد. روز ۱۹ ماه ژوئیه سردار فوکوشیما در کاخ صاحبقرانیه در حومه تهران نزد مظفرالدین شاه باریافت. او در این شرفیابی احتمالاً اجازه دیدن وضع نیروی زمینی ایران یعنی مدرسه نظام، قورخانه، و ترتیب کارها و اداره سربازخانه و مشق سربازان را درخواست کرد. زیرا شرح جزئیات این باریابی در سفرنامه او نیامده و موضوع گفت و گویش با شاه بر ما دانسته نیست. اما درخواست او به این عذر که اکنون فصل تعطیل و مرخصی سربازها است، پذیرفته نشد. در آن سال‌ها در قشون ایران نیروی قزاق زیر فرماندهی مستشاران نظامی روسی ترتیب یافته بود، پس سردار فوکوشیما می‌خواست که وضع نیروی قزاق را ببیند اما دولت ایران نپذیرفت.

سردار فوکوشیما روز ۲ ماه اوت از تهران روانه شد، و از طریق قزوین و رشت به بندر انزلی و از آنجا به باکو رفت و به تفلیس در ناحیه قفقاز رسید، و پس از دیدن آنجا دوباره از راه باکو و ازبکستان به ترکستان رفت، و پس از سفر به شهرهای آسیای میانه مانند بخارا و سمرقند و تاشکند و فرغانه، از عشق‌آباد در مرز ایران و روسیه به مشهد رسید، و روز ۲ ماه اکتبر به تهران بازگشت. او دیدار (اکتشافی) نظامی ناحیه ترکستان در قلمرو روسیه را به سلامت به سر رسانده بود. گزارش این دیدار نظامی به ستاد کل ارتش ژاپن داده شده و علنی نشده بود، اما بخش‌هایی از آن در دو مقاله زیر آمده است:

۱. «فوکوشیما شوگون ایسه‌کی» fukushimaShogunIseki  
(خدمات شایان سردار فوکوشیما) نوشته اوتا ازان Azan Ota در نشریه انجمن آسیای خاوری (تو آکیوکای To A Kyokai) سال ۱۶ شووا (۱۹۴۱ میلادی).

۲. «چونو آجیا یوری عربیانه» Chuo Ajiya yori Arabiya e  
(از آسیای میانه تا عربستان: خدمات شایان سردار فوکوشیما) دنباله در: همانجا، شماره سال ۱۸ شووا (۱۹۴۳ میلادی). در این نوشته‌ها فصلی درباره سفر فوکوشیما به نواحی واقع در شمال ایران آمده و شرح پیشامدها و دیده‌ها و شنیده‌های حدود یک ماه سفر او در ایران از تهران به ساوه و همدان و کرمانشاه و ورود از مرز ایران به سرزمین عربی عثمانی (عراق کنونی) در روز ۸ ماه نوامبر به تفصیل آورده شده است. این شرح در حوصله مقاله حاضر نمی‌گنجد، پس کوتاه شده‌ای از آن می‌آید:

سردار فوکوشیما (پس از بازگشت به تهران) با مساعدت واگنر، افسر اتریشی مستشار قشون، با بستگان شاه



صفحه عنوان سفرنامه «فوکوشیما» به نام «چونو آجیا یوری عربیانه» (از آسیای میانه تا عربستان)

در عصر جدید و تاریخ معاصر، مناسبات ایران و ژاپن با هیأت سفارتی که از سوی «میجی»، امپراتور نامور و دوران ساز ژاپن و به ریاست «ماساهارو یوشیدا» در سال‌های ۱۲۹۷-۱۲۹۷ ه.ق. ۸۱-۱۸۸۰ م. به دربار ناصرالدین شاه آمد، آغاز شد و از آن پس نیز ژاپن رو به عروج، از احوال ایران که با همه ضعف و انحطاط دوره قاجاریان از اهمیت و موقع ویژه‌ای در غرب آسیا برخوردار بود - غافل نماند





سیمای «مظفرالدین شاه قاجار» در سفرنامه ایران، نوشته ماساجی اینوود.

کرده بود - از ایران، از راه هنگ کنگ تریاک زیاد وارد می‌شد، و این قضیه برای تاپوان (که یکی از ایالات ژاپن قلمداد می‌شد) دشواری‌هایی به وجود می‌آورد. چنین بود که حکومت تاپوان به بررسی وضع منشأ صدور تریاک، که ایران و عثمانی و هند بودند، برآمد، و یه‌ناگا مسؤول این کار (در حکومت تاپوان) برای تحقیق اوضاع به این سه کشور فرستاده شد. او پس از گرفتن دستورهای لازم از گوتوشیمی Goto Shimpei، فرماندار تاپوان روز ۱۷ ماه مه از تاپیه روانه شد و روز ۲۳ این ماه به توکیو رسید، و در یک هفته‌ای که در اینجا بود با سردار فوکوشیما یاسوماسا، که پیشتر به ایران رفته بود، دیدار کرد و راهنمایی و توصیه‌های لازم را از او دریافت نمود. یه‌ناگا، به سفارش سردار فوکوشیما، به تهران که رسید در همان هتل انگلیسی (که او مانده بود) فرود آمد. یه‌ناگا در سال ۱۸۹۹ در یوکوهاما به کشتی نشست و از راه بمبئی در روز ۲۴ ماه ژوئیه آن سال به بندر بوشهر رسید. او همان مسیری را که یوشیدا و فوکوشیما پیشتر رفته بودند طی کرد، و پس از دیدن ایران، از طریق باکو و باتوم و از راه دریا به استانبول رفت. از اینجا از راه زمینی و از آناتولی به سوریه رفت، و از دریای مدیترانه گذشت و به مصر رسید. سپس به هندوستان رفت و سال بعد از آن در ماه مارس ۱۹۰۰ (سال ۳۳ میجی به تقویم ژاپنی) به تاپیه بازگشت.

یه‌ناگا گزارش (اداری) سفرش را داد، و نیز یادداشت‌هایش را مرتب کرد و آن را با عنوان سفرنامه غرب آسیا در هفت شماره (روزنامه) کومین شیمبون Kokumin Shimbun انتشار داد. کتاب سفرنامه او سپس از سوی شرکت نشر مینیو (مینو-شا Minyo-sha) در روز ۱۳ دسامبر سال ۳۳ میجی (۱۹۰۰ م.) در ۱۹۱ صفحه منتشر شد. شرح سفر او در ایران در ۴ شماره آن روزنامه آمده و ۱۲۹ صفحه از کتاب سفرنامه‌اش را شامل است.

در بخش اول این سفرنامه (روز ۱۹ ژوئیه، در راه دریا به بوشهر)، یه‌ناگا نوشته است که هوای دریا در ماه ژوئیه گرم و شرجی بود، و در اقیانوس هند و دریای عمان هنگام باد موسمی، و او به علت توفانی بودن هوا نمی‌توانست به عرشه کشتی برود. در روز از انبوه مگس‌ها و در شب از نیش پشه‌ها و حشره‌های موزی دیگر آسایش نداشت. او نما و منظره کراچی و گواتر و مسقط را که در راه سفر از آنجا گذشت وصف کرده و نوشته که هرمز محل پررونقی بوده است.

یه‌ناگا روز ۲۴ ژوئیه به بوشهر رسید. در شهر احتمال تظاهرات ضددولتی بود. پس پیاده شدن برایش خطرناک می‌نمود. او صبح روز ۲۶ این ماه پا به خشکی گذاشت و در کنسولگری انگلیس ماند و بعد از ظهر روز ۲۹ از آنجا با اسب روانه شیراز شد.

او در بخش دوم سفرنامه‌اش (روز ۱۳ اوت، در راه شیراز) وضع جغرافیایی و اقلیمی فارس و آب و هوای آنجا و پیشامد میان نگرهبانان ایرانی در راه بوشهر به شیراز، و حال و رفتار مأمور ایالتی را وصف کرده است. یه‌ناگا در شیراز، در خانه رئیس بانک شاهی اقامت گزید. وضع سفر او چندان تفاوتی با سفر سردار فوکوشیما نداشت.

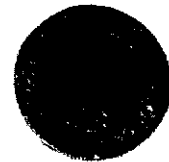
یه‌ناگا در بخش سوم روزنامه سفرش (روز ۳۱ اوت، در اصفهان) از سفر خود از شیراز به اصفهان و از وضع محقر

یا صدراعظم و وزیر امور خارجه و دیگران آشنایی نزدیک‌تری پیدا کرد و از مشق نظامی و مدرسه نظام دین کرد و در التزام شاه در سان قشون هم حاضر شد.

در سفر بازگشت فوکوشیما از ایران، در همدان خانواده تامسون Tomson، مبلغ مسیحی، و در کرمانشاه خانواده وکیل‌الدوله از اعیان آنجا، از او پذیرایی کردند. سفرنامه فوکوشیما در مقایسه با سفرنامه‌های مسافران اروپایی و آمریکایی مطلب کمتری درباره مردم و جامعه ایران دارد، اما او بر عیوب جامعه ایرانی چشم نبسته و آن را نکوهیده است. شرح او نکته‌های جالب هم، فراوان دارد. از سفرنامه او آشننگی احوال سیاسی ایران یا وضع شهر و بازار و خیابان را پس از مرگ پادشاه خودکامه (ناصرالدین شاه) می‌توان شناخت. درباره سفر فوکوشیما آقای کانه کوماتی نو Kaneko Tamio در کتاب ژاپنی‌ها در آسیای میانه، نشر شینجینبوتسو اورائی Urai Shinjinbutsu، سال ۴۸ پادشاهی شووا (۱۹۷۳ م.)، شرقی حدود ۵۰ صفحه نوشته است.

### ۳. سفر یه‌ناگا:

روز ۱۰ ماه سپتامبر سال ۱۸۹۹ میلادی (سال ۳۲ پادشاهی امپراتور میجی) دومین مسافر ژاپنی در هتل انگلیسی تهران منزل گرفت. او کارمند شرکت دارویی حکومت (ژاپنی) تاپوان و مأمور بررسی در کار تریاک بود. این مسافر ژاپنی یه‌ناگا تویوکیچی Ienaga Tokichi نام داشت. به تاپوان - که ژاپن آن را در سال ۱۸۹۵ به خود ملحق



روز ۱۰ ماه سپتامبر ۱۸۹۹ م.

دومین مسافر ژاپنی در هتل انگلیسی تهران منزل گرفت. او یه‌ناگا تویوکیچی نام داشت و

کارمند شرکت دارویی حکومت (ژاپنی)

تاپوان و مأمور بررسی در کار تریاک بود

منزلگاه‌های میان راه در ایران نوشته، و گفته است که ایرانی‌ها ملتی هستند که می‌توانند دشواری و تنگدستی را به نهایت بر خود هموار کنند. نیز درباره طعم هندوانه و خربزه‌ای که در راه این سفر چشیده نوشته است که این میوه‌های بهشتی در این فصل گواراترین و شیرین‌ترین مزه را دارد و از هر خوراکی دیگر لذیذتر است در اصفهان، کفیل کنسول انگلیس سروان اشنیدر Schneider، او را پذیرایی و راهنمایی کرد.

او در بخش چهارم سفرنامه‌اش (تا روز ۱۷ ماه سپتامبر، در تهران) نوشته است که در اصفهان بیش از ۱۰ روز ماند و وضع تریاک را بررسی کرد. اقامت یه‌ناگا در تهران یک هفته بود. او روز ۱۲ سپتامبر وزیر امور خارجه را ملاقات کرد و روز ۱۳ نزد مظفرالدین شاه باریافت و روز ۱۴ سپتامبر با امین‌السلطان، صدراعظم، دیدار کرد. گفت‌وگوی او با شاه ایران از تعارف‌های دیپلماتیک تجاوز نکرد، اما یه‌ناگا نوشته است که «تایوان، ایالت تازه (الحاق شده به) ژاپن، برای تریاک ایران بازار مهمی شده است.» یه‌ناگا هم مانند یوشیدا و فوکوشیما، مأموران دولتی ایران را عنصری فاسد یافت، از رفتار مأموران حکومت به خشم آمد، و با آنها مشاجره هم کرد.

می‌توان احساس کرد که او در این سفر ناراحتی بسیار داشته است. درباره توان و اعتبار دولت ایران نوشته است: «قدرت شاه و حکومت پایتخت به حومه تهران هم نمی‌رسد، و گرداننده واقعی این مملکت انگلیس و روس هستند. شاه پیشین (ناصرالدین شاه) نفوذ و قدرت نمایی روحانیون را محدود می‌کرد اما شاه کنونی بی‌باری و دخالت آنها قادر به هیچ کار نیست.» او نظرها و نکته‌های دیگر هم در یادداشت‌هایش آورده، و درباره مسائل مهم ایران آن روز نگرشی تیزبین داشته است.

مدیر روزنامه (ناشر سفرنامه یه‌ناگا)، تاکوتومی سوهور Takutomi Soho، معرفی تحسین‌آمیزی برای یادداشت‌های سفر او نوشته است.

#### ۴. سفر اینوو ماساجی:

روز ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۰۲ (سال سی و پنجم پادشاهی امپراتور میجی) یک جوان ژاپنی وارد هتل انگلیسی در تهران شد. او اینوو ماساجی Inoue Masaji دانشجویی بود که در وین (اتریش) درس می‌خواند و ۲۵ سال داشت. او به تهران که رسید و نام دو هم وطنش را، فوکوشیما و یه‌ناگا که پیشتر به ایران آمده بودند در دفتر هتل دید، به شوق آمد و بسیار خوشحال شد. اینوو ماساجی دانشجوی برنامه مبارله محصل میان شرق و غرب (آسیا و اروپا) بود، و تا آن سال در وین درس می‌خواند، اما در این تاریخ محل تحصیل خود را به برلین تغییر داد، و در میان این جابه‌جایی فرصتی پیدا کرده بود که به سفر در آسیای میانه بپردازد. اینوو می‌خواست به ایران سفر کند. او در ماه اوت سال ۱۹۰۲ از وین روانه شد، و از راه تفلیس و یاکو به بخارا رسید، و در آنجا به هیأت ژاپنی کاوش و اکتشاف باستان‌شناسی به سرپرستی اوتانی (به ژاپنی اوتانی تانکن‌تای Otani Tankentai) برخورد و سپس به



«یاساماسا فوکوشیما»

تاشکند رفت و از آنجا روانه ایران شد. او پس از این گشت و گذارها روزنامه سفرش را مرتب کرد که با نام چونو اجیا ریوکو-کی Chuo Aja Ryoko-Ki (سفرنامه آسیای مرکزی) از سوی بنگاه نشر کتاب مین یوه‌شا Minyu-sha منتشر شد. (سال ۱۹۰۳ میلادی برابر سال ۳۶ میجی).

برابر شرحی که اینوو در سفرنامه‌اش آورده است، او پس از گشت و گذار در آسیای مرکزی روز ۶ ماه سپتامبر (۱۹۰۲) از راه کراسنودسک Krasnodesk به دریای خزر رسید، و با کشتی از مسیر آشوراده به مشهد سر (بابلسر کنونی) در خاک ایران آمد. او سخت می‌توانست باور کند که این دهکده کوچک ماهیگیری بندر ورود به کشوری مانند ایران است. او نوشته است که کشتی در دو-سه کیلومتری ساحل لنگر انداخته و در این بندر اگر موج دریا زیاد بود نمی‌شد از کشتی پیاده شد؛ و زمین در کناره همه خاکستری تیره، و کوه و تپه پیدا بود. در دریا هم صدف و ماهی یا علف دریایی به چشم نمی‌خورد، و او فقط لاک‌پشت دید.

اینوو ماساجی با توجه و یاری افسر بلژیکی گمرک به نام بیدو Bideau دو اسب کرایه کرد و یک چاروادار گرفت، و روانه تهران شد. او سوار بر اسب در راه تهران با دیدن مناظر طبیعی و زمین پرسپزه و راه باریک و آب فراوان، تفاوت نمایانی میان آنجا و بیابان‌های آسیای مرکزی یافت. او نوشته است «که با اثر پای اسب‌ها در طول زمان باریکه راهی درست شده که طی کردن آن دشوار است و اگر چارپادار و بلد همراه نباشد مسافر به‌زودی در این راه‌ها گم



استاد اوکازاکی شوکو:

«یوشیدا و فوروکاوا

با این اطمینان خاطر که

ایرانی‌ها نمی‌توانند

یادداشت‌هایشان

(به ژاپنی) را بخوانند،

تجربه‌ها و دیده‌ها و

شنیده‌های خود را

بی‌پروا به قلم آورده‌اند.

از این رو یادداشت‌های

اینان ارزشی بیش از

سفرنامه‌های

نوشته غریبان دارد.»



ماسهارو یوشیدا، رئیس هیأت سفارت ژاپن به دربار ناصرالدین شاه

**- تایوان -**  
**که ژاپن آن را در**  
**سال ۱۸۹۵ م.**  
**به خود**  
**ملحق کرده بود-**  
**از ایران**  
**از راه هنگ کنگ**  
**تریاک زیاد وارد**  
**می شد و این قضیه**  
**برای تایوان**  
**(که یکی از ایالات**  
**ژاپن قلمداد می شد)**  
**دشواری هایی به**  
**وجود می آورد-**  
**چین بود که**  
**حکومت تایوان به**  
**بررسی وضع منشاء**  
**صدور تریاک،**  
**که ایران و عثمانی و**  
**هند بودند، برآمد و**  
**یه ناگا مسئول**  
**این کار**  
**(در حکومت تایوان)**  
**برای تحقیق اوضاع**  
**به این سه کشور**  
**فرستاده شد**

می شود، و افزوده که سفر در این راه‌ها بسی دشوارتر از طی منازل در سرزمین چین است. نیز نوشته است که خارجی‌ان بیشتر از راه شمال به ایران می‌آیند، و از طریق باکو وارد انزلی می‌شوند، و مناظر این راه چنان متفاوت (از تصور قبلی آنها) است که در آغاز به سختی باورشان می‌شود که در ایرانند. نیز، شمال کوه البرز هوای دیگر دارد. در این ناحیه، استعداد تولید کشاورزی بیش از همه جای ایران است، و برنج و ابریشم و پنبه و میوه (مرکبات) عمل می‌آید. اگر دولت ایران توجه و هدایت کند، کشاورزی رونق خواهد یافت، و اینجا آباد و پر نعمت‌تر از ولایات دیگر خواهد شد.

این‌گونه ماساجی شب اول سفر به ایران را در بارفروش در کاروانسرای متعلق به شرکت حمل و نقل روسی ماند، و از ارضی که از روی تصادف سرشام با او هم میز شد مهربانی دید.

او صبح روز بعد از کوه البرز گذشت، و چون کاروانسرای میان راه نبود، شب دوم را در علفزاری زیر آسمان خوابید، و چون قهوه‌خانه میان راه هم تمیز نبود رغبت به خوردن چیزی نیافت. روز ۱۳ سپتامبر در کوهپایه دماوند به دهکده کوچک رینه رسید. مردم روستا دور او جمع شدند، و او به یکی از آن میان که مکتب‌دار ده بود سفارش‌نامه‌اش را (که سفارت ایران در وین به او داده بود) نشان داد، و آن وقت مردم احساس و رفتار تازه‌ای نمودند (و مهربانی کردند). آن شب یکی از اهل ده او را در خانه‌اش پذیرا شد، و برای شامش پرنده کوهی (که شکار شده بود) و چلو آماده کردند و او پس از سه روز گرسنگی غذای سیری خورد. روز ۱۴ سپتامبر از رینه به راه کوهستان روانه شد، و آن شب را در کوهپایه دماوند در کاروانسرای ماند، و بعد از ظهر روز ۱۵ سپتامبر به تهران رسید. او از مشهدسر تا تهران را که حدود ۲۳۰ کیلومتر است شش روزه با اسب طی کرد، و به این حساب روزی کم و بیش ۴۰ کیلومتر راه پیموده است.

این‌گونه ماساجی بر روی هم سه هفته در ایران گذراند، که از این مدت ۵ روز (از ۱۵ سپتامبر تا ۲۰ سپتامبر) را در تهران بود.

یوشیدا ماسهارو و فوکوشیما در تهران بیشتر مانده بودند، اما این‌گونه ماساجی فقط ۵ روز در پایتخت ایران ماند. او دانشجو بود و وقت چندانی نداشت و مقصود دیگری را در سفر دنبال می‌کرد.

این‌گونه در میان اقامت کوتاهش (در تهران) وزیرمختار انگلیس را ملاقات کرد، و درباره دیپلماسی انگلیس و روس و مقاصد و مطالع روسیه در ایران گفت‌وگو کرد. او وزیر امور خارجه ایران را هم دید، و در جشن سالروز میلاد شاه و شامی که وزیر خارجه به این مناسبت داد حضور یافت. او از مشق افراد قشون تهران نیز دیدن کرد.

این‌گونه در راه بازگشتش به اروپا هم از مسیر معمولی انزلی و باکو نرفت، بلکه از طریق قزوین و تبریز رفت زیرا شتیده بود روس‌ها نقشه دارند در این مسیر جاده‌ای بسازند و او می‌خواست که این مسیر و زمینه طرح آنها را ببیند. او از تهران تا قزوین با اربابه پستی رفت، و از آنجا تا تبریز با اسب چپاری، و از تبریز به درشکه نشست و بعد از ظهر روز ۳۰ سپتامبر به جلفای ایران رسید. او در راه سفر در هر جا،

سفارش‌نامه‌ای را که داشت نشان می‌داد، و در جلفا نیز با نشان دادن آن به آسانی از گمرک گذشت. از رود ارس با قایق عبور کرد و وارد خاک روسیه شد.

سفرنامه ایران این‌گونه ماساجی گزارشی است دلنشین که درباره ایران و مردم آن آگاهی‌های دقیق می‌دهد.

#### ۵. سفر اتابک امین‌السلطان و همراهان او

در پایان این بخش، از سفر اتابک و همراهان او به ژاپن یاد می‌شود. روزنامه‌ای که از این سفر به یادگار مانده، به نام سفرنامه تشریف به مکه معظمه از طریق چین و ژاپن و آمریکا<sup>۳</sup> در نوع خود یگانه است. این کتاب که نوشته مهدیقلی هدایت است در سال‌های ۲۶ یا ۲۷ دوره پادشاهی شویوا (۱۳۳۰ به تقویم ایرانی) در تهران منتشر شد<sup>۴</sup> اتابک اعظم و همراهان او مقارن جنگ روس و ژاپن که در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۴ بود به ژاپن رفتند، و این سفرنامه یادگار آن دیدار است.

نویسنده این سفرنامه، (مهدیقلی هدایت) از اواخر سده نوزده تا اوایل سده بیست از دولتمردان ایران بود، و خدمت خود را در دستگاه ناصرالدین شاه آغاز کرد، پس از مرگ این شاه هم (در دستگاه حکومت بود) و دوبار همراه مظفرالدین شاه به فرنگ رفت. پس از بازگشت از این سفرها و به دنبال استعفای اتابک اعظم، به واسطه نزدیکی به او همراه وی به عنوان سفر حج روانه شد و به ژاپن رفت.

اتابک اعظم، میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان، که مهدیقلی هدایت، نویسنده این سفرنامه به عنوان دوست نزدیک و معتمد او روانه سفر شد، در مقام صدراعظم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه خدمت کرده بود و طرف انگلیس و روس، هر دو، را داشت. او در سال ۱۹۰۰ از مقام خود استعفا کرد<sup>۵</sup>، و با کسب اجازه از شاه به عنوان زیارت مکه روانه سفر هفت-ماهه‌ای به گرد جهان شد. بهانه این سفر زیارت حج بود، اما در واقع دیدن شرق دور هدف بود (به اصطلاح، هم فال بود و هم تماشا). در این هنگام روابط ژاپن با روسیه هر چه تیره‌تر می‌شد و آغاز جنگ روس و ژاپن نزدیک می‌نمود. اتابک به‌جز فرزندش، میرزا احمدخان و مهدیقلی هدایت، دو نفر دیگر را نیز در این سفر همراه داشت. آنها از راه باکو به مسکو رفتند و با راه‌آهن از مسیر سیبری و منچوری به پورت آرتور Port Arthur و از آنجا به بندر چیفو در کناره شرقی چین رسیدند و پس از دیدن چین، از شانگهای به مقصد ناگاساکی به کشتی نشستند، و پس از دیدن این بندر و کوبه Kobe و تماشای شهر کیوتو Kyoto، روز ۱۵ ماه دسامبر سال ۱۹۰۳ به توکیو رسیدند.

دولت ژاپن اتابک صدراعظم پیشین ایران را رسماً پذیرا شد. او و هیأت همراهش سه هفته در توکیو بودند، و در این مدت اتابک نزد امپراتور میجی Meiji باریافت و با کاتسورا Katsura صدراعظم وقت ژاپن، ایتو هیروبوومی Ito Hirobumi (دولتمرد مشهور و از بنیان مشروطیت و تجدد ژاپن)، اوکوما Okuma صدراعظم اسبق و اوگورا Okura (رهبر حزب قوی ژاپن) دیدار کرد. از طرف امپراتور شامی به افتخار آنها در یک مهمانخانه ژاپنی داده شد، و روز پس از آن کومورا Komura وزیر خارجه ژاپن برای دیدن





میچی (۱۹۰۶) امیر لشکر شد (نام کوچک فوروکاوا، نوبویوشی، در ضبط به خط مفهوم نگار چینی - ژاپنی، «سن یا» هم خوانده می‌شود).

۴. بعدها رئیس اطلاعات نیروی دریایی شد.  
۵. ترجمه فارسی سفرنامه یوشیدا، با شرح و تحقیق مطالب آن، با مشخصات زیر منتشر شده است: سفرنامه یوشیدا ماساهارو، نخستین فرستاده ژاپن به ایران دوره قاجار (۱۲۹۷-۹۸)، ترجمه و تحقیق هاشم رجب‌زاده با همکاری ی. نی. ی. نشر مؤسسه چاپ و انتشارات (آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۳۳)، [مترجم: هاشم رجب‌زاده]

نوبویوشی (سن یا) فوروکاوا، نفر دوم هیات سفارت ژاپن به دربار قاجار

۶. نشر نگاه انتشاراتی اسکای سیسو، ۱۹۸۱، ص ۱۶۹  
۷. نشر نگاه انتشاراتی شودو، ۱۹۵۷، تألیف ری. ایچی گامو: «تاریخ ایران» (ایران - شی)، ص ۲۲۶.

۸. در ایالت ناگانو به دنیا آمد، و در سفارتخانه‌های ژاپن در پکن و برلن وابسته نظامی بود. در نیروی زمینی ژاپن مطلع‌ترین کارشناس امور چین بود. هنگامی که ریاست اداره دوم ستاد کل ارتش را داشت بیش از هر کس دیگر جنگ با روس را تشویق کرد. به معاونت ستاد کل ارتش، درجه سپهبدی و امیر لشکری رسید، و در سال ۱۹۱۹ به دنبال بیماری درگذشت.

۹. Sven Anders fon Hedin (۱۸۶۵-۱۹۵۲) پیونده سوئدی در آسیای مرکزی و چین و هند. در ۱۸۸۵ و ۱۸۸۶ مسافرتی به ایران و بین‌النهرین کرد. در ۱۸۹۰ به سمت منشی سفارت سوئد در ایران منصوب شد. از دماوند بالا رفت. پوش‌های عمده وی در آسیای مرکزی به عمل آمد، فلات تبت را پوشید (۱۹۰۵) و سرچشمه‌های براهماپوترا و ساتلج و سرچشمه‌های واقعی رود سند را کشف کرد. از آثارش «از میان آسیا» (۱۸۹۸)، «آسیای مرکزی و تبت» (۱۹۰۴) و «جاده ابریشم» (۱۹۳۸) است. (مصاحب: دائره‌المعارف فارسی)، (مترجم: هاشم رجب‌زاده)

۱۰. درباره امین‌السلطان بنگریدیه فصل ۵ این کتاب.  
۱۱. نشر نگاه انتشاراتی توکو، ۱۹۳۹، زندگی‌نامه: «یک راه توسعه آسیا» (کاتو ایچیرو) سال ۱۹۴۴ «یادداشت درباره منع شمشیر بستن» (کنسو روکو)، «پنجاه سال دنبال گرفتن توسعه آسیا» (کاتو گوجو-ن - نو ساکائو پوجیتسه)؛ و میاحت دیگر.

۱۲. نام فارسی آن «سفرنامه تشرف به مکه معظمه از طریق چین، ژاپن و آمریکا» است.  
۱۳. تاریخ چاپ اول سفرنامه مهدیقلی هدایت، با آنکه در کتاب یاد نشده ۱۳۲۴ خورشیدی بوده است.

[مترجم: هاشم رجب‌زاده]  
۱۴. استغفای اتابک در سال ۱۹۰۳ (۲۲ جمادی‌الآخر ۱۳۲۱ ه. ق.) بود. ه. ر. (مترجم: هاشم رجب‌زاده)

۱۵. برای شرح سفر اتابک و همراهان او به ژاپن، بنگرید به نوشته‌های زیر:  
- هاشم رجب‌زاده، ژاپنی که مخبرالسلطنه هدایت دید، در: ایران‌شناسی، سال اول، شماره ۲ (تابستان ۱۳۶۸)، صفحه‌های ۳۵۹ تا ۳۸۳. [مترجم: هاشم رجب‌زاده]

- هاشم رجب‌زاده، ژاپن از نگاه مهدیقلی هدایت، در: کتاب باز، ۲، مشهد، شهریور ۱۳۷۰، صفحه‌های ۱۱۱ تا ۱۴۱.  
۱۶. سخنان اتابک از سفرنامه هدایت (ص ۱۰۸) نقل شد. [مترجم: هاشم رجب‌زاده]

اتابک (به هتل محل اقامت او) آمد. در این دیدار، سخن بیشتر از خرید قاطر وزیر بود و اینکه آیا می‌شود از ایران تعدادی استر، که در ژاپن کمتر یافت می‌شد، بیآورند هدایت نوشته است که ژاپن همه در فکر جنگ با روس و گرفتن تقاص پورت آرتور است (که روس‌ها آن را پس از پیروز آمدن ژاپن بر چین در سال ۱۸۹۵ از چنگ ژاپن درآورده بودند):

ولوله در شهر نیست جز شکن پشت خصم  
فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی روس  
(سفرنامه هدایت، ص ۱۰۸).

اتابک و هیأت همراه او به تماشای نیکو (شهر ییلاقی و محل نیایشگاه‌های تاریخی، نزدیک توکیو) رفتند و از مدرسه نظامی، محاکم دادگستری، باغ نباتات توکیو و پارک اوئه‌نو Ueno، و بندر نظامی یوکوسوکا Yokosuka دیدن کردند. آنها به طور غیررسمی سری هم به محله... توکیو، یوشی وازا Yoshiwara زدند.

آقای تفت آمریکایی، حاکم فیلیپین، روز ۴ ژانویه (۱۹۰۴) به توکیو رسید. او برای تصدی مقام تازه خود، وزارت جنگ، راهی آمریکا بود. همان شب کومورا، وزیر خارجه ژاپن، شامی به افتخار او داد که اتابک هم به آن دعوت داشت. به نوشته هدایت، ژاپنی‌ها برای تصمیم قطعی جنگ منتظر آمدن تفت بودند. فردای آن، خبر جنگ منتشر شد.

شرح دیدار اتابک از ژاپن نیاز به فرصت دیگر دارد.<sup>۱۲</sup> سفرنامه هدایت در ۱۹۰ صفحه چاپ شده که ۲۳ صفحه آن شرح دیدار ژاپن است، و افزون بر این حدود ۲۰ صفحه هم درباره دین، تاریخ، ادبیات و آداب ژاپن دارد که از منابع خارجی گرفته شده است.

اتابک و هیأت همراه او روز ۶ ماه ژانویه (۱۹۰۴) از ژاپن روانه سانفرانسیسکو شدند.

مصاحبه اتابک با مخبر روزنامه ژاپنی روز ۱۷ دسامبر در روزنامه درج شد که در آن اتابک گفته بود: «به ملاقات امپراتور مفتخر شدیم، از صدر اعظم و وزیر خارجه محبت دیدیم، خدمت مارکی ایتو رسیدیم... ژاپن با قدم جدی که در راه تعالی نهاده افتخار ممالک آسیایی است».<sup>۱۳</sup>

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. از دیوانیان حکومت باکو فویادو (حکومت سپهسالاری ژاپن در سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۸۶۸، که مرکز آن ادو، توکیو کنونی بود). در اواخر دوره ادو که سپاه وفادار به امپراتور (در نهضت بازگشت قدرت به امپراتور ژاپن) قلعه ادو را گشود، او که امیرالبحر حکومت سپهسالاری بود در گوریو کاکو پناه گرفت و مقاومت نشان داد، اما پس از یک سال تسلیم و زندانی شد. در سال ۱۸۷۲ آزاد شد و به آباد کردن زمین‌های بایر پرداخت و در سال ۱۸۷۴، جانشین فرمانده نیروی دریایی شد، و نیز به عنوان وزیرمختار تام‌الاختیار به روسیه رفت و قرارداد مبادله جزایر کاراهوتو و جیشیما را منعقد کرد.

۲. سامورایی، و از دیوانیان ایالت توسا بود، و فرزند تویو یوشیدا.

۳. از خاندانی سامورایی در ایالت شیرونوکا برخاست. در سال ۶ میچی (۱۹۷۳) درجه نابیی در نظام یافت و در سال ۳۰ میچی (۱۸۹۷) درجه سرداری و فرماندهی ارتش چهارم. در سال ۳۹

**سردار فوکوشیما**

**احتمالاً از**

**مظفرالدین شاه**

**درخواست کرد**

**اجازه دیدن**

**وضع نیروی زمینی ایران**

**یعنی مدرسه نظام،**

**قورخانه و ترتیب کارها و**

**اداره سربازخانه و مشق**

**سربازان را به او بدهد.**

**اما درخواست او به این**

**عذر که اکنون فصل**

**تعطیل و مرخصی**

**سربازها است،**

**پذیرفته نشد.**

**در آن سال‌ها**

**در قشون ایران**

**نیروی قزاق**

**زیرفرماندهی**

**مستشاران نظامی روسی**

**ترتیب یافته بود،**

**پس سردار فوکوشیما**

**می‌خواست وضع نیروی**

**قزاق را ببیند.**

**البته این درخواست**

**بعداً عملی شد**

